

انترناسیونال

دوره دوم
۴۱

سه شنبه، ۲۳ تیر ۱۳۸۳

۱۳ ژوئیه ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

در مورد دستگیری دو نفر از
مسئولین کانون صنفی معلمان
کارگران شرکت پر داموتور
صفحه ۳

در حاشیه رویدادها
کاظم نیکخواه
قربانیان غیر رسمی جمهوری اسلامی
حزب دموکرات و تغییر شعار
خودمختاری به فدرالیسم
صفحه ۴



آزادی و برابری شاخصی برای ارزیابی نیروهای اپوزیسیون

علی جوادی

تعالی و پیشرفت انسانها در صف
مقدم مطالبات جامعه برجسته
میشوند. اکنون پس از سالها
اعتراض و کشمکش میان
نیروهای اجتماعی شعار و
مطالبه "آزادی و برابری" در صدر
اعتراضات توده های مردم
سرنگونی طلب قرار گرفته است.
آزادی و برابری شعاری است که در

صفحه ۲

میشوند، در پایه ای ترین سطح
یک کشمکش طبقاتی است که
مبنای تمامی کشمکشهای
اقتصادی، سیاسی و حقوقی و
فرهنگی و فکری متنوع در
جامعه معاصر است. هر
صفتی اجتماعی مهر این
تقابل طبقاتی را بر چهره دارد. با
اینهمه در هر دوران از تحولات
اجتماعی شاخصهایی بعنوان
خواست توده های مردم برای

این قاعده اجتماعی مستثنی
نیست. ایران جامعه ای طبقاتی و
سرمایه داری است و جنبشهای
متفاوت اجتماعی در صفوف
اپوزیسیون دارای ایده آلهای و
خواستهای یکسان و مشابهی
نیستند. تقابل و کشمکش دو
اردوگاه کار و سرمایه، جنبشهایی
که بر مبنای این تقابل طبقاتی
شکل میگیرند و احزاب سیاسی
ای که در بستر این جنبشها ایجاد

کمونیسم کارگری جنبشی برای
برقراری جامعه ای آزاد، برابر،
انسانی و مرفه است. این اردوگاه
نماینده تغییر وضع موجود به نفع
توده مردم محروم و تحت ستم در
جامعه است. اما تصویر و ایده آل
همه نیروهای اپوزیسیون از آینده
سیاسی ایران یکسان نیست، و
اینهم طبیعی است. تاریخ کلیه
جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه
طبقاتی است. جامعه ایران هم از

ستون اول فاتح بهرامی

پس از ۱۸ تیر

جمهوری اسلامی امسال ۱۸ تیر را با
هزینه ای گزاف از سر گذراند. لشکر امام
زمان به فرماندهی سردار طلائی به
خیابانها روانه شده بود تا حرکت موج
عظیمی که در جامعه ایران حکومت
اسلامی را تهدید میکند و "آقا" را در
آستانه ۱۸ تیر زهره ترک کرده بود، سد کند.
علیرغم اینکه اجتماعات و بروز روحیه
اعتراضی مردم جو رعب و وحشت چند
هفته قبل از ۱۸ تیر را شکسته بود اما
جمهوری اسلامی توانست از تکرار اتفاقات
۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر سال گذشته جلوگیری
کند. اما واقعیت اینست که شکست
جمهوری اسلامی امسال سنگین تر از سال
قبل بود. باین دلیل ساده که رژیم مجبور
میشود برای جلوگیری از حضور اعتراضی
مردم در خیابانها ابعاد بیسابقه ای از
میلیتاریزه کردن فضای جامعه و شدیدترین
تدابیر امنیتی و نظامی را بکار بگیرد.
مجبور میشود علنا و رسماً اعتراف کند
که نفرت مردم از حکومت بحدی است که
نمیتواند برای رد شدن از پیچ ۱۸ تیر بجز
آماده باش کامل نیروی سرکوب برای
مقابله نظامی با این موج کار دیگری
بکند. مجبور میشود وحشت خود را از
مردم سرنگونی طلب آشکارا به نمایش
بگذارد.

اما مگر این حکومت میتواند هر روز
خیابانها را با گله حزب الله و نیروی
انتظامی قرق کند؟ و اگر بکند آیا راه فرار
دارد؟ قطعاً نه. رژیمی که برای هر روز
ماندندش مجبور است پول هنگفت خرج
کند، مزدور بار کند و در خیابانها خالی

صفحه ۴



۱۸ تیر گذشت، هر روز ۱۸ تیر دیگری است

شاهلا دانشفر

بیش از پیش حاکی از اوج وحشت
این رژیم از جنبش اعتراضی
مردم است. رژیم با چشم خود دید
که علیرغم همه این قشون کشی
ها در نقاط مختلف تهران و در

شهرهای دیگر، دانشجویان،
 جوانان و مردم انقلابی و معترض
به خیابانها آمدند، اجتماع کردند
و با حضور خود در خیابانها نشان
دادند که عقب نخواهند نشست.
اظهار رضایت رژیم از اینکه در

صفحه ۳

۱۸ تیر سپری شد اما مردم
همچنان با روحیه بالای اعتراضی
در تلاشند تا قدرتمند تر از قبل
بیرون بیایند و حرف آخر خود را
بزنند و تکلیف این رژیم را یکسره

های حزب الله در خیابانها و
دستگیری و ضرب و شتم زنان و
دختران تحت عنوان مبارزه با
بدحجابی و با برقرار کردن
حکومت نظامی اعلام نشده در
تهران و شهرهای بزرگ دیگر ۱۸
تیر را از سر گذارند. اما امروز
سخنان سردار طلائی فرماندار
نیروی انتظامی تهران و تقدیر او
از دانشجویان و اینکه توانستند
این روز را بی خطر بگذارند و نیز
اظهارات دیگر مقامات دولتی

۱۸ تیر گذشت و رژیم در اوج
نگرانی و وحشت. یکماه تمام بود
که جمهوری اسلامی با تمام
نیروی خود تلاش کرد تا نگذارد
مردم در ۱۸ تیر به خیابانها
بیایند و با فریاد مرگ بر
جمهوری اسلامی بار دیگر حکم
سرنگونی این رژیم را اعلام کنند.
رژیم با استقرار نیروی انتظامی
در خیابانها و میادین شهرها، با
حمله به تجمعات مردم و
دستگیری آنها، با راه انداختن گله

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ آزادی و برابری، شاخصی برای ..

کنار شعار سرنگونی رژیم اسلامی در اعتراضات مردم در هر گوشه و کناری فریاد زده میشود.

شاخصی برای ارزیابی، شاخصی برای انتخاب

اگر "آزادی و برابری" شعار محوری در صدر اعتراضات مردم است، اگر این خواست در اعتراضات توده‌های مردم فریاد زده میشود، بنابراین میتوان نتیجه گرفت که جامعه در پس تحولات خود مطالبه "آزادی و برابری" را بعنوان شاخصی برای ارزیابی همگانی بدست داده است. شاخصی برای ارزیابی از نیروهای سیاسی اپوزیسیون رژیم اسلامی، شاخصی برای انتخاب میان نیروهای اجتماعی. با این شاخص میتوان بطور ابرکتیو و عینی به ارزیابی و بررسی نیروهای متفاوت اپوزیسیون پرداخت. با این شاخص میتوان صف دوستان و دشمنان مردم را تعیین و ارزیابی کرد. برجسته شدن این شاخص در صف مطالبات مردم نشانگر عمق و رادیکالیسم حاکم بر اعتراضات توده‌های مردم در مقابله با رژیم اسلامی است. زمانی سرنگونی طلب بودن مبنای ارزیابی مردم از نیروهای سیاسی اپوزیسیون بود. مردم به این اعتبار صف دوم خردایدها، صف اصلاح طلبان حکومتی را از نیروهای مدافع سرنگونی رژیم متمایز میکردند. سرنگونی طلبی اگر چه شاخصی لازم اما کامل و جامع نبود، چرا که طیف نیروهای سرنگونی طلب خود به دو اردوگاه عظیم چپ و راست تقسیم میشوند. این دو اردوگاه هم در روش سرنگونی جمهوری اسلامی و هم در آنچه که برای جامعه بعد از جمهوری اسلامی میخواهند از هم متمایز میشوند. در اینجا به بررسی این نیروها و ملاکهای آنها درباره آینده جامعه اشاره میکنم.

آلترناتیوهای اصلی در جدال بر سر آینده ایران

رژیم اسلامی در سراسرییی سقوط است. در یک بن بست همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. همه علائم و شواهد حاکی از آن است که جامعه ایران در آستانه یک تغییر و تحول بنیادی، در

آستانه یک انقلاب اجتماعی قرار گرفته است. همه نیروهای سیاسی اعم از چپ و راست از وقوع یک انفجار اجتماعی صحبت میکنند. مردم ایران عزم کرده اند که رژیم راسرنگون کنند. رژیم اسلامی با جامعه ای جوان و پر جوش روبروست که خود را نه با گذشته بلکه با آینده و با آنچه که میتواند باشد مقایسه میکند. این مردم خواهان تغییرات بنیادی هستند. دوم خرداد و پروژه اصلاح رژیم اسلامی شکست خورده و نیروهای مدافع آن به کناری زده شده اند. نیروهای رنگارنگ این طیف اعم از فرقه‌های مختلف توده ای و اکثریتی و جبهه ملی و نهضت آزادی، هیچکدام از بازیگران فردای سیاست در ایران نیستند. پرونده سیاسی شان عملاً بسته شده است. پرداختن به این نیروها آنطور که ژورنالیستهای غرب به آنها میپردازند، چیزی بیش از اتلاف وقت و انرژی نیست. واقعیت این است که ایران پس از جمهوری اسلامی آلترناتیو شرق زده، متکی بر فرهنگ غرب ستیزی، مدرنیست ستیزی، و نیمه اسلامی - نیمه ملی نخواهد داشت. دوم خرداد و اصلاح طلبان حکومتی با جمهوری اسلامی از صحنه سیاسی ایران حذف خواهند شد. آنچه باقی می ماند دو اردوگاه چپ و راست است. در تحولات سیاسی آتی ایران دو اردوگاه یعنی ناسیونالیسم محافظه کار و دست راستی از یک طرف و از طرف دیگر کمونیسم کارگری مدعی قدرت سیاسی نیروهای اصلی در تعیین تحولات بنیادی جامعه خواهند بود. کشمکش چپ و راست بر سر آینده و سرنوشت مردم جدالی سرنوشت ساز و تاریخی است که اکنون در مقابل جامعه قرار گرفته است.

راست و برابری اقتصادی انسانها

برابری واقعی انسانها جایی در مفاهیم جنبشهای بورژوازی معاصر در برخورد به جامعه و آحادش ندارند. برابری انسانها اصولاً مقوله ای در ادبیات سیاسی این جنبشها نیست. بر عکس وجود طبقات متخاصم اجتماعی، وجود کارگر و سرمایه دار، وجود نیروهای

استثمارگر و استثمار شونده، دارا و فقیر اصل پایه ای و فرض همیشگی این نیروهاست. نفس وجود طبقات اجتماعی خود به معنای تبعیض و تمایز و برتری طبقاتی و اصل اساسی و هویتی این نیروهاست. اوج تمکین این نیروهای دست راستی به ایده برابری پذیرش برابری حقوقی انسانها در جامعه در برابر مجموعه قوانین بورژوازی است. این برابری حقوقی و صوری است. واقعی و اجتماعی نیست. بنابراین برابری طلبی بهیچوجه خصلت و صفت متمیزه این جنبش و نیروهای رنگارنگ آن نیست. برعکس!

از دیدگاه این نیروها حق انسانها به میزان حجم پول و ثروتشان گره میخورد، یعنی انسانها در بهره برداری از امکانات جامعه تا آنجا "برابر" هستند که حجم و میزان پولشان اجازه دهد. از امکانات بهداشتی تا حدی برخوردارند اگر بتوانند بیمه پزشکی خریداری کنند. میتوانند از تحصیل در سطوح عالی برخوردار شوند، اگر امکانات مالیشان اجازه دهد. میتوانند تفریح و آسایش داشته باشند، اگر پولش را داشته باشند. میتوانند از زندگی مناسب، مسکن مناسب، و تغذیه مناسب برخوردار باشند، چنانچه توان مالیشان اجازه دهد. در یک کلام قادر به زندگی مناسبند، اگر صاحب سرمایه هستند. اگر استثمارگرند، اگر عضوی از طبقات دارا و متمول جامعه هستند.

مبلغین و ایدئولوگهای بورژوازی اینطور تبلیغ میکنند که آنچه طبقات دارا و سرمایه دار در اختیار دارند، آنچه مصرف میکنند، آنگونه که زندگی میکنند، تماماً محصول کار و توان و استعداد فردی و جمعی شان است. این بزرگترین دروغ تاریخ است. اساس نظام سرمایه داری مبتنی بر استثمار تولید کنندگان مستقیم استوار است. اقلیت کوچکی که وسائل تولید معاش و زندگی مردم را در کنترل و انحصار خود دارد، آن را فقط برای تولید سود و نه رفع نیازمندیهای انسان بحرکت در می آورند. در این پروسه سرمایه دار نیروی کارگر را به خدمت میگیرد و محصولات جدید تولید میکند. این کالا در بازار فروخته میشود و پول حاصله بعنوان سرمایه در کنترل سرمایه دار قرار میگیرد. این

نابرابری در موقعیت اقتصادی انسانها اساس نابرابری سیاسی و حقوقی و مادی در جامعه است. در جریان انباشت سرمایه سهم کارگر و زحمتکش از کل ثروت جامعه، سقوط میکند و شکاف میان دارا و ندار عمیق تر میشود. برابری بدون خلاصی از این نابرابری اقتصادی در جامعه ممکن نیست.

در این دیدگاه جریان راست، آنان که محرومند لیاقتشان بیش از این نبوده است. بهره مند شدن یکسان و برابر آحاد جامعه از امکانات رفاهی و بهداشتی و آموزشی و ... بر حسب نیازمندی هایشان امری مضر به حال جامعه است. اینکه هر کس به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی باید بتواند بطور یکسان از کلیه امکانات و مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار شود، کفر کبیره است. باعث "رخوت" و "از میان رفتن انگیزه تلاش و کار" است. البته معلوم نیست چگونه زمانیکه آحاد طبقه بورژوا از امکانات رفاهی و اجتماعی زندگی مرفه که بر اثر استثمار طبقه کارگر از آن برخوردار شده است، دچار "رخوت" و "تنبلی" و "از دست دادن انگیزه" و تقلاهای روزمره خود نمیشوند؟

راست و برابری سیاسی انسانها

بر خلاف ادعاهای سخنگویان و مبلغین سرمایه داری و راست جامعه تنها درصد قلیلی از انسانهایی که در زیر حاکمیت سرمایه زندگی میکنند از نوعی حقوق مدنی و سیاسی تعریف شده برخوردارند. سهم اکثریت عظیم مردم جهان، بی حقوقی سیاسی و نابرابری سیاسی است. بعلاوه تجربیات متفاوت در خود این جوامع نشان میدهد که حتی این اندک حقوق سیاسی نیز رابطه تنگاتنگی با ثبات اقتصادی سرمایه داشته و به میزان سود آوری سرمایه گره خورده است. هر جا که سود سرمایه دچار نقصان و افت شده است این حداقل حقوق سیاسی مردم نیز مورد تعرض قرار گرفته است. در این چهارچوب حتی آنجائیکه حداقلی از حقوق سیاسی برسمیت شناخته میشود، میزان بهره برداری از این امکانات به قدرت اقتصادی و امکانات مالی گره خورده است. آحاد جامعه اگر هم در حقوق سیاسی

برابر باشند در برخورداری از آن کاملاً نابرابرند. آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و اجتماعات و تظاهرات و تحزب و تشکل اگر ممنوع نباشد، تماماً به قدرت اقتصادی در بهره برداری از این حقوق گره خورده است.

در این جنبش دست راستی و در این دیدگاه حتی ارزش و شان افراد جامعه یکسان و برابر نیست. امتیازات گوناگون، برتری و تبعیض طبقاتی خود را به صور مختلف، چه آشکار و چه پنهان، در تمامی شئون اجتماعی و فرهنگی نشان میدهد. تحقیر و توهین و فرودستی سهم مردم زحمتکش است. نگاهی به ادبیات سیاسی این جریانات بیانگر صحت این ادعا است. ریشه نابرابری سیاسی جامعه، اقتصادی است. وجود سرمایه داری و تلاش برای حفظ مناسبات سرمایه داری در نقطه مقابل تلاش برای ایجاد گسترده ترین آزادیها و برابریهای سیاسی قرار دارد.

راست و برابری زن و مرد

نابرابری زن و مرد یک عرصه سیاسی مهم تفکر این نیروهاست. بورژوازی غرب خواهان حفظ آپارتاید جنسی و ستم وحشیانه بر زنان در اشکال اسلامی آن نیست. خواهان تغییراتی حقوقی در وضعیت کنونی زنان در جامعه است. از طرف دیگر خواهان رهایی و آزادی زن از تمام قید و بندها و نابرابریهای موجود نیز نیست. اصولاً در کشورهایی که از لحاظ اقتصادی عقب افتاده تر هستند، جوامعی که نفوذ مذهب بر شئون اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه عمیقتر است، در جوامعی که سنتهای مردسالاری همچنان در جامعه جاری هستند، بی حقوقی و تبعیض بر علیه زنان نیز در اشکال زمخت تر و پیچیده تر جلوه گر میشود. اساس بقا و تداوم این نابرابری و ستمکشی زن در جوامع کنونی بر مبنای نیازمندیهای اقتصادی سرمایه استوار است. سرمایه داری نیازمند شکاف و تفرقه در صفوف کارگران است. بی جهت نیست که حتی در پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری متوسط دستمزد زنان معادل ۷۰٪ متوسط دستمزد مردان است.

از صفحه ۱ ۱۸ تیر گذشت ...

در مورد دستگیری دو نفر از مسئولین کانون صنفی معلمان

خود از اعتراض پرستاران که اولتیماتوم به مبارزه ای بزرگ و سراسری در ۴ مرداد ماه داده اند، حمایت کرد. باید از خواستههای معلمان و مبارزاتشان حمایت کرد. باید علیه اخراج ها و تهاجمات رژیم ایستاد و از مبارزه هر روزه کارگران پشتیبانی کرد. آنچه که امروز به اعتراضات و مبارزات ما قدرت میبخشد ایجاد همبستگی و اتحاد وسیع مبارزاتی از طریق دادن قطعنامه های حمایتی، پیوستن به اجتماعات اعتراضی ای که برپا میشود، حمایت و پشتیبانی وسیع از مبارزات یکدیگر و رساندن صدای اعتراض خود به گوش کل جامعه و به گوش جهانیان و بسیج بیشترین حمایت و پشتیبانی از مبارزه بخش های مختلف جامعه است. امروز بیش از هر وقت روز متشکل شدن و روز اتحاد و همبستگی است. در شرایط کنونی برپایی مجامع عمومی کارگری، تشکل یابی مبارزه بخش های مختلف جامعه معلمان، پرستاران، زنان، جوانان و بخش های مختلف مردم و حضور فعال آنها در نشستها و تجمعاتشان و سازماندهی مبارزه ای متحد و سازمان یافته بیش از پیش کلیدی و حیاتی است. باید با ایجاد صف فشرده ای از مبارزه و اعتراض به تدارک اعتصابات گسترده و وسیع علیه جمهوری اسلامی شتافت. *

شود. سران جنایتکار اسلامی مطمئن باشند که این دستگیری ها معلمان و بخشهای مختلف جامعه را از ادامه مبارزه باز نخواهد داشت. با اینکار فقط پرونده جنایات خود را سنگین تر میکنند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه معلمان برای خواستههای عادلانه خود حمایت میکند و همه کارگران و دانشجویان و معلمان و مردم ایران را به مقابله متحدانه با سیاست دستگیریها و تعرض این حکومت منفور فرا میخواند. باید در برابر تهاجمات جمهوری اسلامی که در تقلاي این است که اعتراضات گسترده ای را که در جامعه جریان دارد با دستگیری و تهاجم و حکومت نظامی به عقب براند، قاطعانه ایستاد و از این مبارزات و خواستهها به هر شکل ممکن اعلام پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ تیر ۱۳۸۳ - ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۴

اعتصاب موفقیت آمیز کارگران شرکت پرداموتور

در این روز اعتصاب تا ساعت ۴ ادامه یافت و هیچ کدام از کارگران اضافه کاری هم انجام ندادند. روز ۱۷ تیر نیز اعتصاب ادامه داشت و در ساعت ۲ و نیم از طرف مدیریت و حراست در جمع کارگران حاضر شدند و اعلام کردند که همه حق آکورد را پرداخت خواهند کرد. کارگران با هورا و دست زدن و ابراز شادمانی موفقیت خود را اعلام کردند. اتحاد و یکپارچگی کارگران پرداموتور و حمایت مونتاز کاران موتور نیسان و گیربکس و کیاخودرو عامل اصلی این موفقیت بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ ژوئیه ۲۰۰۴، ۲۱ تیر ۱۳۸۳

در ساعت ۲ بعدازظهر روز ۱۶ تیرماه، ۹۰ کارگر در خط مونتاز شرکت پرداموتور وابسته به مگاموتور، دست از کار کشیده و در سالن مونتاز این شرکت اجتماع و اعتصاب خود را اعلام کردند. دلیل اعتصاب کاهش ۵۰ درصدی حق آکورد بود که روز ۱۵ تیر ماه به آنها اعلام شد و کارگران با اطلاع از این اقدام بلافاصله روز بعد دست به اعتراض زدند. اعلام اعتصاب کارگران شرکت پرداموتور به سرعت در همه بخشها و شرکت های مگاموتور پیچید. مسئولین و مدیریت و حراست نزد کارگران آمدند تا از علت اعتصاب مطلع شوند و اگر بتوانند آنها بخوابانند.

کند. ۱۸ تیر سپری شد اما همه چیز حاکی از اینست که در همه بخش های جامعه مردم خود را برای مبارزه ای گسترده و سرنوشت ساز آماده میکنند. هر روز شاهد سربرآوردن تشکل جدیدی از سوی مردم و در بخش های مختلف جامعه هستیم. هر روز شاهد اولتیماتوم دادن ها و سر بر آوردن اعتراضی جدید هستیم.

سئوال واقعی امروز اینست که جمهوری اسلامی تا کی میتواند با آماده باش نظامی و با ریختن گله های حزب الله به خیابانها اوضاع را تحت کنترل داشته باشد؟ تا کی میتواند با حمله به جوانان و اجتماعات اعتراضی مردم زمام امور را در دست داشته باشد؟ تا کی میتواند در مقابل این جنبش رو به رشد و فزاینده بایستد؟ هر روز ممکن است ۱۸ تیر دیگری باشد. واقعیت اینست که جامعه در آستانه انقلاب است و جمهوری اسلامی اینرا خوب میدانند. از یکسو رژیم جوانان و مردم معترض را دستگیر میکند و از سوی دیگر زندان اوین به مرکز اعتراض و اعتصاب گسترده زندانیان تبدیل شده است. واقعیت اینست که دیگر نمیتوان جنبش رو به رشد اعتراضی مردم را به عقب راند.

آلترناتیو سرنوشت مردم را رقم خواهد زد؟ امروز مطالبه آزادی و برابری يك شاخص اصلی انتخاب میان نیروهای سیاسی اپوزیسیون ایران است. ملاکی برای انتخاب بزرگی است که در مقابل مردم و جامعه قرار گرفته است. جامعه در پس تحركات خود ملاکی برای تعیین دوستان و دشمنان انقلاب و رهایی بدست داده است. کدام سرنوشت؟ کدام آینده؟ کدام انتخاب؟ آزادی و برابری شاخصی پایه ای برای انتخاب نهایی فراهم کرده است. باید

این نیروها به همان درجه که رهایی و آزادی زن به نابودی شرایط اقتصادی این نابرابری گره بخورد، در مقابل آن خواهند ایستاد و به مقابله با آن بر خواهند خاست. در این راستا به "مذهب" و "سنت" و هر نوع خرافه و جهلی متوسل خواهند شد. بی دلیل نیست که خواست برابری طلبانه جنبش زنان را بعضا "زیاده روی" و بعضا "بی بند و باری" و بعضا مخالف "فرهنگ مردم" قلمداد میکنند.

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

دوستان مردم کیانند؟

ایران به کدام سو میرود؟ کدام

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

از صفحه ۱

ستون اول

کند که دو سانت روسری زنان عقبتر نرود یا کسی در خانه خود موزیک گوش ندهد، کارش از این حرفها گذشته است. این رژیم با مردمی طرف است که برای قربانی بیشتر ندانند، برای گرسنه نماندن، برای آزاد بودن و آزاد زیستن، برای حفظ حرمت و شخصیت خود، برای تحقیر نشدن و مورد تبعیض قرار نگرفتن، برای نابود نشدن، و در یک کلام برای زندگی انسانی کردن و رها شدن از ضد انسانی ترین شرایط تحمیل شده به خود هیچ راهی بجز به گور سپردن حکومت اسلامی ندارند. حرکت و تلاش و اعتراض روزمره توده مردم کارگر و زحمتکش و زن و جوان از یکطرف و اعمال توحش و خشونت گله آخوند و سرمایه دار و نیروی سرکوب حکومت آنها از طرف دیگر بر سر همین است که مردم میگویند "نه" و حکومت اسلامی باید برود، و حکومت برای بقا جان میکند و مقاومت میکند. این جنگی است بین مردم و حکومت اسلامی که تا سرنگونی رژیم ادامه دارد و میروید که به سرانجام برسد. راه فرار برای جمهوری اسلامی وجود ندارد.

تجربه ۱۸ تیر و مبارزه هر روزه مردم و وضعیت و توازن قوایی که اکنون در جامعه وجود دارد یکبار دیگر یک مساله اساسی را برجسته کرده است. از یک طرف این حکومت خودبخود از سر راه مردم کنار نمیروید، باید آترا بزیر کشید. از طرف دیگر هم تنفر و انزجار مردم از جمهوری اسلامی به حد نهائی رسیده و هم اعتراض و مبارزه علیه آن در اشکال مختلف و در ابعاد گسترده وجود دارد و دامنای در حال گسترش است. پس چرا هنوز این رژیم سر کار است، کدام کمبود باعث شده که این حکومت منفور هنوز سر پا بایستد؟ جواب قدر قدرتی رژیم نیست، دلیلش توان سرکوب یا توان حکومت کردن نیست. دلیلش متشکل نبودن و بهم پیوسته نبودن مبارزات جاری در جامعه است. کل این حکومت با تمام جناحها و نیروی سرکوبش برای بقا و زنده ماندن متحد هستند. بزیر کشیدن این حکومت نیز از طریق قدرت مردم و از طریق یک انقلاب پیروزمند نیازمند به میدان آمدن نیروی متحد طبقه کارگر و

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



قربانیان غیر رسمی جمهوری اسلامی

جنایات جمهوری اسلامی فقط محدود به انداختن شکنجه گران و جلادان و قضاات و آخوندهای تشنه مرگ و باتیان سنگسار و دار و جنگ به جان مردم نیست. تحمیل کردن شرایط زیستی خارج از استاندارد و ضد انسانی بر زندگی مردم که با سرمایه داری قرن هیجده و نوزده در دنیا نیز قابل مقایسه نیست، هر روز دارد از زن و مرد و کودکان این مملکت هزاران قربانی میگیرد. یک نمونه گزارشی است از سایتی بنام "دیده بانان زمین" که مربوط به گوشه ای از آلودگیهایی است که پالایشگاه تهران در مسیر خط لوله های نفت در مناطق مختلف ایجاد میکند. بنا به این گزارش آب آشامیدنی مردم بعضی از روستاها به حدی به مواد نفتی آلوده شده است که در یک بازبینی وقتی شعله کبریت را به آب نزدیک کردند آب آتش گرفت. این آلودگی باعث امراض پوستی و گوارشی گسترده و خطرناکی در میان مردمی که در مسیر این لوله ها قرار دارند شده است. زمین های کشاورزی در این مناطق نابود شده است و مرگ و میر در میان کودکان بالا رفته است. یک گزارش دیگر حاکی است که بعد از افشای این وضعیت خطرناک بهداشتی، آب آشامیدنی اهالی برخی روستاهای اطراف خط لوله پالایشگاه تهران با تاکنر تامین میشود اما بنا به گزارش فوق "... تکرار این صحنه ها را در کرمانشاه، آبادان، ماهشهر، بندر امام خمینی و غیره شاهدیم. پالایشگاه نفت ری با زیر پا گذاردن حریم های قانونی و عدم رعایت استانداردهای بین المللی فاصله با مناطق مسکونی و کشاورزی، بخش عظیمی از جنوب تهران را تاکنون بلعیده و یا در معرض انواع آلودگی ها قرار داده است."

این گزارش، در کنار گزارش تزریق خون آلوده به ایدز به هزاران

حزب دموکرات و تغییر شعار خودمختاری به فدرالیسم

حزب دموکرات کردستان ایران در کنگره سیزدهم خود که در روزهای اخیر برگزار کرد، علاوه بر تغییر دبیر کل این حزب، شعار "خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای ایران" را به "ایجاد یک سیستم دموکراتیک و فدرالی و پلورالیستی" تغییر داد. محتوای خودمختاری حزب دموکرات چیزی جز ایجاد یک حاکمیت قومی در کردستان که در عین حال چارچوب دولت مرکزی را هم تماما می پذیرد نبود. با آن شعار میشد با هر حکومتی از حکومت پهلوی گرفته تا حکومت اسلامی وارد مذاکره و چانه زنی شد. راهی که حزب دموکرات مجدانه در آن پای گذارد و در آن راه تلفات سنگینی پرداخت. اما شعار "فدرالیسم و دموکراسی و پلورالیسم" گرچه تا آنجا که به کردستان مربوط میشود همان محتوای ارتجاعی قومی را حفظ میکند قبل از هر چیز یک پیام مشخص را در خود دارد. و آن اینکه این حزب از استراتژی همیشگی چانه زنی با جمهوری اسلامی دیگر نا امید شده و به رویای تبدیل شدن به شریک احزاب دست راستی آویزان شده است. این موضعی است که از نظر موهوم بودن و ارتجاعی بودن دوگام دیگر این حزب را به عقب سوق میدهد. پا گذاردن در دنیای توهامات پوچ و ارتجاعی احزاب و جریاناتی که خواب تکه پاره کردن جامعه ایران در چارچوبه های قومی و ملی را در سر می پرورانند، به این امید که این حزب بجای پذیرش قدرت مرکزی، روزی شریک دولت فدرالی مرکزی شود، یک بلند پروازی در لجنزار است. اگر حزب دموکرات در تبدیل کردن جامعه کردستان به پشتوانه جنگ قومی و خودمختاری شکست خورده است، در سناریوی سیاهی که فدرالیسم احزاب ارتجاعی راست برای مردم ایران طراحی کرده اند، بی تردید با نه بزرگ این مردم و ناکامی و شکست بزرگتر و آشکارتری مواجه خواهد شد. *

بیمار هموفیلی که این روزها پرونده آن به جریان افتاده است، بهمرهه گزارشهای دیگری از آلودگیهای آب آشامیدنی و فضای زیستی مردم جزو چند خبر یکی دو روز گذشته است. نمونه های جنجالی قبل تر که بخاطر اعتراضات وسیع مردم به روزنامه ها کشیده شد، نظیر دو بار مسموم شدن سد قشلاق در سنندج که منبع اصلی تامین آب آشامیدنی مردم شهر است، یا قاطعی شدن فاضل آنها با آب آشامیدنی مردم آبادان و امثال اینها را همه بیاد دارند. در همین چند روزه گزارش مرگ ۲۲ هزار تن و مصدوم شدن ۶۰۰ هزار تن در سال گذشته در جاده ها که گزارش آن توسط یکی از مقامات وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اعلام شد را نیز باید به حساب همین حکومت و عوارض جامعه ای دانست که استانداردها در آن فرسنگها به زیر خط مینیمم کشیده شده است. جالب است که این مقام جمهوری اسلامی در اشاره به این ابعاد وسیع کشتار در جاده ها از "بار مالی سنگین آن" برای وزارت بهداشت شکایت دارد. نمونه ها بسایرند و قربانیان بی شمار. پایین کشیدن فاجعه آمیز استاندارد زیستی مردم به شرایطی قرون وسطایی و باز گذاشتن دست صاحبان حریص سرمایه ها در چپاول و غارت و نابود کردن زندگی مردم، در کنار یکه تازی آدم کشان و شکنجه گران کثیف حرفه ای، دارد از مردم قربانی میگیرد و زندگی مردم را به رنج و درد و مرگ همراه میکند. روزی که این حکومت با انقلاب کارگران و مردم به زیر کشیده شود و به دوره یکه تازی کل طبقه سرمایه دار پایان داده شود، فقط بساط فققان و سرکوب و جنایات اسلامی نیست که جارو میشود، بلکه کل بساط جهنمی قرون وسطایی کنونی، کل بختک اجتماعی حاکم، به زباله دان ریخته میشود و مردم زندگی خود را با استانداردهای انسانی و بالا از نو خواهند ساخت و جامعه ای آزاد و مرفه و شاد و سالم را پی خواهند ریخت.